

آیت الله سید یونس اردبیلی از فقهای مبارز، زاهد و پیشرو سده اخیر است که مفیدترین بخش حیات پر بار علمی و سیاسی خود را در مشهد مقدس سپری کرد و در شمار روحانیان مبارزی است که مورد تجلیل امام خمینی (ره) نیز قرار گرفته است. امام ایشان را در ردیف حاج آقا نورالله اصفهانی و شهید سید حسن مدرس و بافقی یزدی قرار داده و کوششهای سیاسی وی را در دوره اختناق رضاخانی می ستاید^۱.

سید یونس فرزند سید محمد تقی، فرزند میر فتحعلی فرزند سیفعلی اردبیلی است که همه در کسوت روحانیت حیات پر بار خود را سپری کردند. میر فتحعلی اردبیلی، جد ایشان، از عرفای بلند پایه ای است که دستور العمل عرفانی به شخصیتی چون شیخ مرتضی انصاری، بزرگ مجتهد دوسده اخیر، داده است.

سید یونس در سال ۱۲۹۶ ه. ق. در اردبیل در چنان خاندانی چشم به جهان گشود.

دوران تحصیل

مرحوم آیت الله سید یونس اردبیلی تحصیلات مقدماتی خود را در اردبیل به انجام رساند و برای ادامه تحصیل به زنجان رفت و فقه و اصول را از آخوند ملا قربانعلی زنجانی، مشروعه خواه نامدار دوره مشروطه، فراگرفت و علوم معقول را نزد حکیم متاله آخوند ملا سبزه علی حکیم، آموخت و در حوالی سال ۱۳۱۰ ه. ق، چهارده سال پیش از ثمر رسیدن نهضت مشروطه، عازم نجف شد و همزمان با پیگیری جریانات نهضت در نزد برخی از پیشگامان روحانی آن، یعنی آخوند خراسانی و عالمان برجسته دیگری چون: فاضل شریانی، آقا سید محمد کاظم یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی، تلمذ کرد و درس فقه و سیاست را با هم فراگرفت. پس از آن به کربلا سفر کرد و در حوزه درس میرزا محمد تقی شیرازی، رهبر نهضت علمای عراق علیه اشغالگران انگلیسی، شرکت کرد و مورد اعتماد ایشان قرار گرفت.

آیت الله اردبیلی از سوی میرزا، عهده دار رسیدگی به امور طلاب علوم دینی شد.

میرزا به ایشان سپرده بود:

«اگر طلبه ای نه به اسم، بلکه در واقع طالب علم بود، به وضعیت اقتصادی او رسیدگی کند و نیازهای مالی او را



تندیس پارسایی

«نگاهی به زندگی پر بار
مرحوم آیت الله سید یونس اردبیلی»



آیه الله اردبیلی
در نماز
روز عید فطر

شجاعانه طاغوت زمان را به زیر پا گذاشتن احکام الهی متهم کرد و شخصیت معنوی، پرنفوذ، مقتدر و صریح و قاطع وی که مورد تأیید همزمان دیگرش بود، و نیز سابقه مبارزاتی که در عتبات داشت، پیشروان مبارز و آزاد مردان فرهیخته و عالمان عاملی چون آیات: حاج آقا حسین قمی، حاج شیخ محمد آقا زاده، شیخ هاشم قزوینی، سید عبدالله شیرازی، سید علی اکبر خوئی و سید علی سیستانی را به ایشان نزدیک کرد و بیت ایشان خانه پایداری امت گردید و از این سنگر تسخیر ناپذیر بود که برای سالیانی چند دسایس پایان ناپذیر غرب و عمال سرسپرده آن، خنتی شد. ارسال تلگراف ۲۱ نفری علمای درجه اول مشهد خطاب به پهلوی و اعزام حاج آقا حسین به تهران از این بیت تصمیم گیری شد.

انتشار خبر دستگیری و تبعید آیت الله حاج آقا حسین قمی موجب شد اعتراض مردم شدت پیدا کند. مردم از آیت الله اردبیلی می خواستند تا برای آزادی ایشان اقداماتی انجام دهد. ازدحام مردم در منزل ایشان، که در یکی از محلات قدیم مشهد بین بازارچه حاج آقا جان و تپل محله (ته پل محله) قرار داشت، به جایی رسید که ناگزیر شدند در مسجد گوهرشاد گردهم آیند و به دنبال آن کشتار

برطرف سازد، هر چند او بعد از هر نمازی تسبیح به دست گرفته و صدو یک بار بگوید: لعنة الله على شيخ محمد تقی! او اگر از او بپرسی چرا چنین می گوید؟ جواب دهد تکلیف من این است. چون برداشت او چنین است، او را به حال خود بگذار و از تأمین او غفلت نکن! ولی اگر پسر من یا یکی از نزدیکان من، در جستجوی علم نباشند، هر چند شب و روز مرا ستایش کند، سهم امام بر او حرام است و ایشان از راه دیگری باید امرار معاش کند. و مرحوم سید یونس چنان کرد که میرزا به وی سپرده بود. این روش سخت موجب رونق حوزه ها گشت. میرزا برای مدتی سرپرستی حوزه نجف را به ایشان سپرد. آیت الله اردبیلی در سال ۱۳۴۸ بر اثر چشم درد به اردبیل بازگشت و پنج سال بعد، یعنی سال ۱۳۵۳ هـ. ق. به منظور مجاوزت قبر هشتمین اختر تابناک ولایت به مشهد آمد و به تدریس و اداره امور دینی شهر پرداخت.

شرکت در قیام گوهرشاد

در جریان کشف حجاب، سید یونس اردبیلی چونان ابو ذری،



خواه است که در جوار امام رضا علیه السلام عرق می‌پزند؟ (مقصود ایشان اشاره به فعالیتهای کارخانجات مشروب سازی مستقر در قوچان و درگز بود)

آخرین سفر

آیت‌الله سید یونس اردبیلی یک سال پیش از فوتشان، یعنی حدود ۱۳۷۶ هـ. ق. به نجف اشرف مشرف شدند. در این سفر، حال خوشی نداشت و بهتر می‌دید، آخرین روزهای زندگی را در نجف بگذرانند و همان‌جا چشم از جهان فروبندند. علمای نجف که از آمدن ایشان با خبر شده بودند، همراه هزاران نفر از مردم به استقبال شتافتند. نجف از کمتر شخصیت روحانی چنین استقبال کرده بود. مردم و روحانیت شیفته چهره ملکوتی، ورع، علم و ساده زیستی ایشان شده بودند. او تبلوری از علم آخوند خراسانی و زهد مقدس اردبیلی بود. نگاه نافذ و پاک ایشان هر بیننده‌ای را به خود جذب می‌کرد. در این سفر آیت‌الله اردبیلی به حرم مشرف شدند، بعد به خانه‌ای رفتند که علما و تجار اردبیلی مقیم نجف، جنب مسجد هندی، کوچه صدتومانی، برایش اجاره کرده بودند. ایشان در آن‌جا سکنی گزید و طی سه روز، تمام علما و محترمین شهر به دیدنش آمدند و از آن پس پنا به تقاضای بزرگان حوزه، درس خارج برخی از فروع فقهی را شروع کردند. انتخاب مباحث فرعی از آن جهت بود که عمر خود را مکفی غرض نمی‌دانستند. در طول شش ماه اقامت خود در نجف، به هنگام تشریف به حرم، جمعیت انبوهی، مرکب از عالمان دین و مردم کوچه و بازار، دورایشان حلقه می‌زدند و شمع وجود او را احاطه می‌کردند. مرحوم اردبیلی از این عمل ناراحت می‌شد، می‌گفت

مشارکت در نهضت ملی

جریان مهم دیگری که پس از شهریور ۱۳۲۰ فضای سیاسی ایران را به خود اختصاص داد، نهضت ملی نفت بود. در طول نهضت، منزل آیت‌الله سید یونس اردبیلی بار دیگر، به یکی از مراکز تصمیم‌گیری چهره‌های مذهبی و سیاسی شهر تبدیل شد.

آیت‌الله کاشانی در سفر سال ۱۳۲۹ به مشهد، به منزل آیت‌الله اردبیلی وارد گردید. آیت‌الله کاشانی، طی تلگرافهای مختلفی که به ایشان می‌زدند در زمینه نهضت ملی خراسان، با ایشان هماهنگ می‌کردند و آشنایی آن دو به سالهایی بازمی‌گشت که در عراق خدمت میرزای دوم، علیه انگلیس فعالیت داشتند.

مرحوم استاد محمد تقی شریعتی و شیخ محمود حلی که کارگردانان جمعیت‌های مؤتلف اسلامی در مشهد بودند (جمعیتی که متجاوز از صد هیأت و دسته مذهبی به منظور شرکت در انتخابات دوره هفدهم مجلس به وجود آمده بود) اولین گردهمایی جمعیت را در روز جمعه ششم دیماه ۱۳۳۰ با موافقت و همدمی ایشان آغاز کردند. در این گردهمایی، قطعنامه‌ای صادر شد و در آن از نظریات آیت‌الله کاشانی و آیت‌الله سید یونس اردبیلی حمایت شد و ایشان اولین فرد روحانی است که از سوی جمعیت‌های مؤتلف اسلامی به عنوان یکی از اعضای هیئت نظارت انتخاب شد.

فقیه سبزواری، کلباسی، قمی، شیخ محمود حلی، شیخ مرتضی عیدگاهی، شیخ کاظم دامغانی، شیخ هاشم قزوینی، شیخ محمد الهی، شیخ غلامحسین تبریزی، حاجی سید علی اکبر خوئی، محمد تقی شریعتی و عابدزاده به ترتیب افراد انتخاب شده دیگر هیئت نظارت بودند.

این وحدت که نزدیک به یک سال دوام آورد، موجب شد رژیم نتواند به برخی از اهداف ضد دینی و ضد مادی خود دست یابد و خراسان، عملاً به یکی از قطب‌های دینی - سیاسی کشور تبدیل شد. هر چند علتی شدن اختلاف آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق مانع ادامه همکاری ایشان شد. ظاهراً پس از رویداد نهضت بود که طی سفر محمدرضا پهلوی به مشهد، شاه با ایشان دیدار داشت. یکی از مقامات که در معرفی محمدرضا پهلوی گفته بود ایشان شاه اسلام خواه ایران است، سید یونس با همان لحن خاص خود در حالی که سرش را تکان می‌داد گفته بود: ایشان چطور شاه اسلام

